

شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین‌الملل

سید یاسر ضیایی^۱ - سعید حکیمی‌ها^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۷)

چکیده

با ظهور جرایم فراملی، ضرورت بازنگری در مبانی صلاحیت سرزمینی و شخصی شکل گرفت و به دنبال آن صلاحیت جهانی به عنوان مبنای قانونی رسیدگی به جرایم بین‌المللی وارد حقوق داخلی دولت‌ها شد. صرف نظر از منشأ (عرفی یا قراردادی بودن) و ماهیت (الزامی یا اختیاری بودن) اعمال صلاحیت جهانی نیازمند شرایطی است؛ که از منابع مختلف حقوق بین‌الملل استخراج شدنی است. حضور متهم، قانونی بودن جرم و مجازات، منع مجازات مضاعف، مجرمیت متقابل، عالم بودن به قانون و رعایت تعهدات بین‌المللی از جمله این شروط است. در رعایت برخی شروط تردیدی وجود ندارد؛ الزامی بودن برخی شروط، مانند اصل مجرمیت متقابل، اصل عالم بودن به قانون، اصل وجود شاکی خصوصی با چالش‌هایی روبه‌روست. اعمال صلاحیت جهانی می‌تواند به حفظ نظم عمومی بین‌المللی کمک کند در صورتی که شروط مربوط به آن توسط محاکم ملی رعایت شود. تعیین شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی موجب تدوین، تفسیر و اعمال صحیح صلاحیت جهانی توسط قانونگذار و دستگاه قضایی دولت‌ها - و از جمله جمهوری اسلامی ایران در رابطه با ماده ۹ قانون مجازات اسلامی - خواهد بود.

واژگان کلیدی: صلاحیت جهانی، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل، جرایم بین‌المللی، محاکم ملی.

yaserziaee@gmail.com

۱. استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه امام حسین (ع)

hakimiha@yahoo.com

۱. مقدمه

شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی موجب ظهور مفهوم «جرائم بین‌المللی» گردید. «جرم بین‌المللی عبارت است از اقدامی که به طور جهانی جرم شناخته شده است و بخش مهمی از نگرانی بین‌المللی را به خود اختصاص می‌دهد و به دلایلی نمی‌تواند در صلاحیت انحصاری دولتی قرار گیرد که در شرایط عادی بر آن موضوع کنترل دارد» (Joyner, 1996:167). باید توجه داشت که تمام جرائم بین‌المللی موضوع صلاحیت جهانی نیستند. به طور مثال کنوانسیون حقوق دریاها مورخ ۱۹۸۲ در حالی که برای دزدی دریایی صلاحیت جهانی مطرح کرده است، برای تجارت برده (ماده ۹۹) و قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان (ماده ۱۰۸) صرفاً دولت صاحب پرچم را طبق صلاحیت سرزمینی و شخصی صالح به رسیدگی دانسته است.^۱ در تعریفی که از سوی اعلامیه پریستون ارائه شده است صلاحیت جهانی عبارت است از «صلاحیت کیفری مبتنی بر ماهیت جرم بدون توجه به تابعیت مجرم، تابعیت مجنی‌علیه و یا هرگونه ارتباط دیگری با دولت اعمال‌کننده صلاحیت و اینکه جرم کجا ارتکاب یافته است».^۲

امروزه عرف و معاهدات بین‌المللی صلاحیت جهانی را برای برخی جرائم مهم مانند جرائم جنگی، تجاوز، جرائم علیه بشریت، نسل‌کشی، شکنجه، برده‌گیری، تبعیض نژادی، دزدی دریایی، اقدامات ضدامنیتی در هواپیما، گروگانگیری و قاچاق مواد مخدر قابل اعمال می‌داند. (Bassiouni, 1987: 25) و در خصوص برخی جرائم مانند پولشویی^۳ و تروریسم بین‌المللی^۴ صلاحیت جهانی در برخی اشکال پذیرفته شده است (Blakesley & Stigall, 2007: 32; Nagle, 2011: 339-378). برخی جرائم بین‌المللی مشمول صلاحیت جهانی نیز هستند که ریشه در قوانین داخلی کشورها دارد که از آن به صلاحیت جهانی غیربین‌المللی می‌توان یاد نمود (ن. ک. فروغی، ۱۳۸۸: ۴۷-۲۱).

روند سریع تحولات جهانی، موجب شده است تا از یکسو بستر ارتکاب جرائم بین‌المللی

۱. با این حال قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان موضوع معاهدات دیگری از سازمان ملل متحد قرار گرفته است که طبق آن صلاحیت جهانی اعمال می‌شود. ن. ک. پروتکل الحاقی به کنوانسیون مواد مخدر مورخ ۱۹۶۱، کنوانسیون محصولات روان‌گردان مورخ ۱۹۷۱، کنوانسیون مقابله با قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و محصولات روان‌گردان مورخ ۱۹۸۸

2. Princeton University Program in Law and Public Affairs, The Princeton Principles on Universal Jurisdiction (2001).

۳. در مقابل برخی جرائم بین‌المللی که انتظار می‌رفت موضوع صلاحیت جهانی باشند هنوز موضوع صلاحیت جهانی نشده اند مانند پولشویی که صرفاً در قالب جرائم سازمان‌یافته فراملی ممکن است موضوع صلاحیت جهانی شود (Stessens, 2000: 246).

۴. تمام معاهدات مرتبط با تروریسم به جز کنوانسیون توکیو صلاحیت جهانی الزامی را پذیرفته اند. با توجه به ۱۲ کنوانسیون تروریسم به نظر می‌رسد که اعمال صلاحیت جهانی در خصوص تروریسم جنبه حقوق بین‌المللی عرفی یافته است هرچند در خصوص تمام مصادیق تروریسم چنین نیست (Bottini, 2004: 543).

بیشتر گردد و از سوی دیگر مردم جهان سریع‌تر از ارتکاب این جرایم مطلع شوند. به طور مثال پیشرفت صنعت نظامی موجب گسترش جرایم علیه بشریت، پیشرفت صنعت حمل و نقل موجب گسترش قاچاق مواد مخدر و پیشرفت ارتباطات بین‌المللی موجب گسترش سریع خیر ارتکاب این جرایم شده است. امروز برخی کشورها نظیر بلژیک، ایتالیا، استرالیا و کانادا در تعقیب مجرمان بین‌المللی با انگیزه جدی عمل می‌کنند و برخی کشورها در تعقیب این مجرمان با احتیاط برخورد می‌کنند. در هر صورت در سال‌های اخیر قضایای زیادی راجع به جرایم بین‌المللی در محاکم ملی کشورها مطرح گردیده است که حداقل سه مورد از آنها در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح گردید.^۱

به نظر می‌رسد با تقویت همگرایی میان کشورها توجه به مولفه‌های جهانی شدن و از جمله صلاحیت جهانی بیش از پیش اهمیت یابد و در این رابطه لازم است نظام حقوقی اعمال صلاحیت جهانی برای محاکم ملی روشن شده باشد. صلاحیت جهانی چه منشأ بین‌المللی داشته باشد و چه منشأ داخلی - باید طبق اصول شرایط حقوقی اعمال گردد تا از مشروعیت برخوردار باشد. این اصول و شرایط از رویه بین‌المللی دولت‌ها، معاهدات بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی قابل استخراج است. عدم رعایت این شرایط می‌تواند رسیدگی عادلانه به جرایم بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد. شرایط لازم برای اعمال صلاحیت جهانی توسط محاکم ملی را می‌توان در سه دسته شرایط مربوط به صلاحیت شخصی، شرایط مربوط به صلاحیت ذاتی و شرایط مربوط به صلاحیت محلی محاکم در اعمال صلاحیت جهانی تقسیم کرد. لازم است این شرایط که مستخرج از منابع مختلف حقوق بین‌الملل هستند، مورد اعتبارسنجی قرار گیرد.

۲. شرایط اعمال صلاحیت جهانی: صلاحیت شخصی

صلاحیت شخصی به ویژگی‌های خواهان/شاکی و خوانده/مشتکی‌عنه در یک دعوا بر می‌گردد. در رابطه با صلاحیت شخصی محاکم ملی در اعمال صلاحیت جهانی چهار شرط مورد بررسی قرار می‌گیرد: ضرورت وجود شاکی خصوصی، ضرورت حضور متهم، عالم بودن به قانون، فقدان مصونیت و مشمول عفو نبودن.

۲-۱. وجود شاکی خصوصی

اصولاً نظام‌های حقوق ملی برای جرایمی که نظم عمومی جامعه را تحت تأثیر مستقیم قرار

1. See ICJ Rep. Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), 2000; ICJ Rep. Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy; Greece intervening), 2012; ICJ Rep. Questions Concerning the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), 2009.

می‌دهند شاکی خصوصی لازم ندانسته‌اند و دادستان به عنوان مدعی‌العموم طرح شکایت از متهم را آغاز می‌کند. «در جرایم بین‌المللی و نقض‌های فاحش حقوق بشری قاعداً باید بر همین روال باشد و دولت‌ها باید خود به پیگیری و تعقیب جنایتکاران بین‌المللی اقدام نمایند. گر چه در عمل متأسفانه تا بحال دولتی خود به نمایندگی از جامعه بشری اقدام به پیگیری و تعقیب جنایتکاران بین‌المللی ننموده است. گویا همیشه احتیاج به شکایت شاکی خصوصی بوده است و حتی در کشورهایی که در اجرای صلاحیت جهانی فعال هستند، مانند بلژیک و آلمان، تعقیب جنایتکاران بین‌المللی منوط به طرح شکایت شاکی بوده است» (خداداد، ۱۳۹۱: ۹۰).

لذا تردید وجود دارد که وجود شاکی خصوصی تبدیل به یک قاعده عرفی بین‌المللی در اعمال صلاحیت جهانی شده باشد، خصوصاً آنکه رسیدگی در محاکم بین‌المللی اصولاً بدون شاکی خصوصی صورت می‌پذیرد. در نتیجه رسیدگی بر مبنای صلاحیت جهانی به طور ابتدایی از سوی دولت‌ها امکانپذیر است. عفو بین‌الملل معتقد است اگر اسناد کافی برای آغاز رسیدگی یا اسناد قابل استماع برای آغاز تعقیب وجود داشته باشد، رسیدگی یا تعقیب باید آغاز شود (Amnesty International, 1999: 9). این واقعیت مانع از آن نیست که اشخاص خصوصی بتوانند به استناد صلاحیت جهانی علیه متهمان به جرایم بین‌المللی طرح دعوا کنند.

۲-۲. حضور متهم

در حالی که انجمن حقوق بین‌الملل حضور متهم در سرزمین دولت رسیدگی‌کننده را شرط اعمال صلاحیت جهانی می‌داند، برخی دولت‌ها اعمال «صلاحیت جهانی غیابی» را جایز دانسته‌اند.^۱ به طور مثال بلژیک در دوره‌ای حضور متهم برای رسیدگی جرایم مشمول صلاحیت جهانی را لازم ندانسته بود (حامد، ۱۳۸۴: ۵۹) و نیوزلند نیز رسیدگی به جرایم موضوع اساسنامه رم را منوط به حضور متهم ندانسته است (Bruce, 2001: 409-410). همچنین ادعا شده که عدم اعمال صلاحیت جهانی غیابی از سوی دولت‌ها به دلیل ملاحظات سیاسی مانند فشار افکار عمومی و پرهیز از به چالش کشیده شدن نظام قضایی ملی بوده است (Rabinovitch, 2004: 510). لذا هرچند هیچ عرف بین‌المللی اعمال صلاحیت جهانی غیابی را نپذیرفته است، اما هیچ عرف بین‌المللی نیز آن را ممنوع نکرده است (Rabinovitch, 2004: 510).

با این حال علاوه بر قسمت چهارم از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که اعمال صلاحیت غیابی را ممنوع می‌داند، برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون منع شکنجه مورخ ۱۹۸۴ صریحاً اشاره داشته‌اند که چنانچه متهم در قلمرو سرزمینی دولت‌های عضو «یافت

1. Universal Jurisdiction in Absentia.

شود»، دولت‌ها ملزم به اعمال صلاحیت جهانی هستند (دولا پرادل، ۱۳۸۸: ۶۰۳). به همین دلیل قاضی هیگینز رئیس وقت دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه جداگانه خود در قضیه قرار بازداشت (کنگو علیه بلژیک) بیان کرد که تمام معاهدات متضمن جرایم جهانی نیازمند حضور متهم است و «صلاحیت جهانی غیابی آن‌چنان که در این قضیه اعمال شده است مورد پذیرش حقوق بین‌الملل نیست».^۱ قوانین برخی کشورها مانند جمهوری اسلامی ایران^۲ و فرانسه^۳ اعمال صلاحیت جهانی طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی را منوط به حضور متهم در سرزمین کشور کرده‌اند.

اینکه منظور از «حضور فیزیکی»^۴ که در اسناد بین‌المللی و ادبیات حقوقی صلاحیت جهانی ذکر شده است حضور متهم در دادگاه است و یا صرف حضور متهم در سرزمین دولت اعمال‌کننده صلاحیت جهانی، مشخص نیست. هرچند در نظریه جداگانه مشترک هیگینز، کوئیجمانس و بورگنتال در قضیه قرار بازداشت بر حضور متهم در سرزمین دولت مورد نظر تأکید شده است. اینان در نظر خود با استناد به قوانین داخلی برخی کشورها از ارتباط متهم با «دولت مقر دادگاه»^۵ و نه ارتباط با «دادگاه» در اعمال صلاحیت جهانی صحبت به میان می‌آورند.^۶ لذا به نظر می‌رسد با صرف حضور متهم در کشور مجوز اعمال صلاحیت جهانی وجود خواهد داشت، ولو اینکه متهم هنوز دستگیر نشده باشد.

۳-۲. عالم بودن به قانون

بر اساس اصل «عالم بودن به قانون» مجرم باید به تبعات قانونی اعمال خود آگاه باشد در غیر این صورت عقاب بلائیان محقق شده است. هرچند اصل «جهل به قانون رافع مسؤولیت کیفری نیست»^۷ در حقوق داخلی اطلاق دارد، اما اعمال این اصل در سطح بین‌المللی مستلزم احتیاط بیشتری است. اعمال این اصل در سطح بین‌المللی می‌تواند اعمال صلاحیت شخصی منفعل و صلاحیت جهانی را با چالش مواجه کند (Bowett, 1983: 10). این صلاحیت‌ها می‌توانند «اصل عالم بودن به قانون» و «لزوم احراز رکن روانی در اقدامات کیفری» را نقض کنند؛ چه آنکه شخص به استناد حقوق ملی دولتی محاکمه خواهد شد که از آن اطلاعی نداشته است و یا قصد اخلال در نظم عمومی آن را نداشته است. این موضوع در خصوص «صلاحیت جهانی بین‌المللی غیر معاهده‌ای» و «صلاحیت جهانی غیر بین‌المللی» بیشتر صدق می‌کند.

1. ICJ Rep. Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), 2000, *Para 12 of the President's separate opinion*.

۲. ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ایران.

3. Article 689-1 of the French Code of Criminal Procedure.

4. Physical presence.

5. Forum State.

6. ICJ Report, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), Joint Separate Opinion of Judges Higgins, Kooijmans and Buergenthal, p. 69.

7. Ignorantia juris non excusat.

در خصوص «صلاحیت جهانی بین‌المللی معاهده‌ای» نیز به نظر می‌رسد اعمال صلاحیت جهانی نسبت به اتباع دولت‌های غیرعضو این معاهدات با اصل عالم بودن به قوانین تعارض پیدا می‌کند؛ زیرا متهم به خاطر جرمی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت که در دولت متبوع او به عنوان جرم شناخته نشده است (Scharf, 2001: 361). در این حالت می‌توان ادعا نمود به دلیل عدم عضویت دولت متبوع متهم، اعمال صلاحیت جهانی جایز نیست.

در پاسخ باید گفت اولاً اشخاص علاوه بر قوانین دولت متبوع خود لازم است از قوانین کیفری دولت محل حضور خود نیز مطلع باشند، ثانیاً جرایمی که مشمول صلاحیت جهانی هستند جرایمی هستند که یا به سطح قاعده آمره رسیده‌اند که الزام آور بودن آنها نیازی به رضایت تابعان حقوق بین‌الملل ندارد و یا از جرایمی هستند که مرتبط با نظم عمومی بین‌المللی هستند که رعایت آن مصلحت بالایی دارد و ثالثاً دیوان نورمبرگ معتقد است که ماهیت و اهمیت برخی جرایم نشان می‌دهد که متهم می‌بایستی از مجرمانه بودن عمل خود مطلع بوده باشد (فروغی، ۱۳۸۸: ۳۸).

بند ۱ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می‌دارد «هیچ کس نباید به دلیل اقدامی که در زمان ارتکاب طبق حقوق ملی یا بین‌المللی جرم کیفری نیست گناهکار شناخته شود». همانطور که مشخص است میثاق از عبارت «حقوق ملی»^۱ استفاده کرده است اما اینکه منظور از این قوانین، قوانین دولت متبوع شخص است یا قوانین دولت سرزمین محل ارتکاب جرم، مشخص نیست. به نظر می‌رسد از نظر میثاق تفاوتی نمی‌کند که اعمال صلاحیت قانونی مبتنی بر صلاحیت شخصی باشد و یا مبتنی بر صلاحیت سرزمینی یا صلاحیت جهانی. لذا نمی‌توان با قاطعیت گفت که علم به قانون در اعمال صلاحیت جهانی شرطی ضروری است.

۲-۴. فقدان مصونیت

یکی از موانع اعمال صلاحیت جهانی در محاکم ملی مصونیت سران کشورها، سران دولت‌ها، وزاری خارجه، دیپلمات‌ها و نظامیان است. دیوان در قضیه قرار بازداشت بیان داشت «برخلاف نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی، برخی مقامات بلندپایه دولتی مانند رئیس کشور، رئیس دولت و وزیر خارجه در طول دوران خدمت خود در قبال اعمال صلاحیت دولت‌های خارجی مصونیت دارند حتی اگر متهم به جرایم جنگی یا جرایم علیه بشریت باشند».^۲ دیوان همچنین به این نتیجه رسید که مصونیت این افراد در تمام مدت تصدی مطلق است و اگر این

1 National Law

2. ICJ Report, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), para. 58.

افراد مظنون به ارتکاب جرایم بین‌المللی باشند، از حقوق عرفی و رویه دولت‌ها نمی‌توان حکم به وجود استثناء و عدول از مطلق بودن مصونیت داد (رنجریان، ۱۳۸۱: ۱۴۵). لذا قانون بلژیک که تا مدت‌ها مصونیت سران را به رسمیت نمی‌شناخت، در قضیه‌ای دیوان عالی بلژیک در سال ۲۰۰۳ بیان کرد که طبق حقوق بین‌الملل عرفی نمی‌توان اعضای دولت‌های خارجی را تا زمانی که در تصدی هستند مورد محاکمه قرار داد (Baker, 2009: 154). بر همین اساس در قضیه شائول مفاز وزیر دفاع اسرائیل در دادگاه انگلستان، در سال ۲۰۰۳ دادگاه بیان داشت که مصونیت دیپلماتیک مانع از رسیدگی می‌شود اما بعد از پایان یافتن دوران وزارت وی، امکان طرح دعوی مجدد وجود خواهد داشت.^۱

از نظر دیوان رسیدگی به جرایم بین‌المللی این اشخاص صرفاً بعد از پایان دوره مأموریت آن‌ها در خصوص اقداماتی که خارج از صلاحیت رسمی بوده است امکانپذیر است. به طور مثال در قضیه آوراهاام دیکتر فرمانده نظامی بخش نیروی هوایی اسرائیل در دادگاه امریکا در سال ۲۰۰۵ دادگاه بیان داشت که وی مصونیت دارد چون طبق قانون اسرائیل وی به انجام اعمال دولتی مشغول بوده است.^۲ در بلژیک مصونیت شخصی در اصلاح قانون اواخر سال ۲۰۰۳ به رسمیت شناخته شد. از نظر دیوان رسیدگی به جرایم بین‌المللی سران دولت‌ها در زمان تصدی سمت دولتی تنها در سه حالت امکانپذیر است: اول اینکه شخص در محاکم ملی دولت خود مورد محاکمه قرار گیرد، دوم اینکه مصونیت وی از سوی دولت متبوعش در مقابل دولت خارجی لغو شود، سوم اینکه جرایم وی در مقابل محاکم بین‌المللی مطرح باشد.^۳

به نظر می‌رسد درخواست استرداد و صدور قرار بازداشت بین‌المللی علیه سران دولت‌ها نیز ناقض اصل مصونیت باشد. به طور مثال درخواست استرداد تیلور رئیس‌جمهور لیبیا از سوی دادگاه ویژه سیرالئون برای نیجریه و غنا صادر شد که بعد از مدتی درخواست پس گرفته شد.^۴ همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص قرار تحقیق پلیس فرانسه از رئیس‌جمهور کنگو به عنوان شاهد دعوا در قضیه قرار بازداشت، بیان داشت که این اقدام مصونیت کیفری سران کشورهای خارجی را نقض کرده است.^۵ لازم به ذکر است چنانچه جرایم بین‌المللی اشخاص مشمول مصونیت، خارج از وظایف رسمی آنها احراز گردد پس از پایان دوره تصدی

1. Shaul Mofaz in the U.k.

2. Avraham Dichter in the U.S.

3 ICJ Report, Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), p. 8.

4 Robinson.

5 Case concerning certain criminal proceedings in France (Republic of the Congo v. France)

همچنین در قضیه معمر قذافی در دادگاه فرانسه دیوان به این نتیجه رسید که قرار بازداشت را به دلیل مصونیت شخصی قذافی متوقف کند (Zappala, 2001, p.595).

آنها امکان طرح دعوا به استناد صلاحیت جهانی وجود خواهد داشت.

۵-۲. مشمول عفو نبودن

عفو از سوی مقامات صلاحیت‌دار نسبت به شخص یا گروهی که متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی هستند می‌تواند مانعی برای اعمال صلاحیت جهانی محاکم ملی باشد. هرچند اساسنامه‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری درباره عفو در جرایم بین‌المللی سکوت کرده‌اند (خداداد، ۱۳۹۱: ۶۶) اما اساسنامه دیوان ویژه لبنان صریحاً اعطای عفو به متهمین ترور رفیق حریری و همراهانش را ممنوع کرده است. همچنین دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ اعلام کرد که وی موافقتنامه صلح سیرالئون را امضا خواهد کرد مشروط به این شرط مهم که «عفو و گذشت نسبت به جرایم بین‌المللی نسل‌کشی، جرم علیه بشریت، جرایم جنگی و سایر تخلفات مهم از حقوق بشر دوستانه بین‌المللی قابل اجرا نخواهد بود» (شریعت باقری، ۱۳۸۲: ۹۱).

در خصوص عفو مجرمین جنگی رویه قابل توجهی وجود دارد. تا پیش از جنگ جهانی اول در حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه پذیرفته شده بود که عفو مجرمین جنگی در پایان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی در معاهدات صلح قید شود؛ اما بعد از جنگ جهانی اول این شرط مطرود گردید. تصمیم متفقین برای تعقیب جرایم جنگی بعد از جنگ جهانی دوم و قید مسترد بدار یا محاکمه کن در کنوانسیون‌های ژنو مؤید این مطلب است که اعطای عفوهای عمومی^۱ در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی ممنوع است (Sadat, 2006: 202)؛ اما درباره مخاصمات غیربین‌المللی نه تنها این منع وجود ندارد بلکه اعطای عفو به مبارزین درگیر در مخاصمه تشویق شده است. بند ۵ ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی بیان می‌دارد «در پایان مخاصمه سران دو طرف مخاصمه باید تلاش خود را برای اعطای گسترده‌ترین عفو ممکن به اشخاصی که در مخاصمه مشارکت داشته‌اند یا از آزادی خود به دلیل مخاصمات مسلحانه محروم شده‌اند به کار گیرند». بر همین اساس دولت لبنان در سال ۱۹۹۱ قانونی به تصویب رساند که طی آن مجرمین جنگی جنگ‌های داخلی لبنان تا سال ۱۹۷۵ از جمله مرتکبین جرایم جنگی در صبرا و شتیلا را مورد عفو قرار داد (Hurwitz, 2009: 285).

عفو ممکن است از سوی دولت محل ارتکاب جرم، دولت متبوع متهم، دولت متبوع قربانیان یا دولت ثالث اعطا شود. دادگاهی که بر اساس صلاحیت جهانی آغاز به رسیدگی کرده است نمی‌داند اعطای عفو از سوی چه دولتی معتبر است. شاید بتوان گفت که دولت

1. Blanket Amnesty.

محل ارتکاب جرم و دولت متبوع قربانیان صلاحیت بیشتری برای اعطای عفو داشته باشند اما اعطای عفو از سوی هر دولتی نیز نمی‌تواند روند رسیدگی را متوقف کند. به طور مثال در قضیه کاوالو^۱ اعطای عفو از سوی دولت محل ارتکاب جرم، رسیدگی به جرایم جنگی از سوی دادگاه اسپانیا را متوقف نمود.

باید توجه داشت اعطای عفو در مواردی که صلاحیت جهانی الزامی است نامشروع است، مگر زمانی که مجرمین اصلی محکوم شده باشند و یا جرایم جدی از عفو استثنا شده باشند (Bottini, 2004: 553). لازم به ذکر است در هر صورت عفو می‌تواند موجبی برای تخفیف مجازات در رسیدگی مبتنی بر صلاحیت جهانی مورد لحاظ قرار گیرد (شریعت باقری، ۱۳۸۲: ۹۳).

۳. شرایط اعمال صلاحیت جهانی: صلاحیت ذاتی

صلاحیت ذاتی به صلاحیت محاکم نسبت به دعوا به اعتبار ماهیت و نوع جرم بر می‌گردد. چنانچه جرم از جرایمی باشد که قابل طرح در دادگاه ملی باشد امکان اعمال صلاحیت جهانی وجود خواهد داشت. شرایطی که یک جرم باید داشته باشد تا بتواند موضوع محاکم ملی در صلاحیت جهانی قرار گیرد عبارتند از قانونی بودن جرم و مجازات، مجرمیت متقابل، منع مجازات مضاعف و مشمول مرور زمان نبودن.

۳-۱. قانونی بودن جرم و مجازات^۲

اصل قانونی بودن جرم و مجازات منبث از اصل عطف بماسبق نشدن قانون است و به این معناست که جرم مشمول صلاحیت جهانی باید پیش از ارتکاب جرم یا در حقوق بین‌الملل و یا در حقوق داخلی جرم‌نگاری شده باشد. طبق بند ۱ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی امکان رسیدگی به جرایم به استناد حقوق بین‌الملل و قبل از ورود آن به حقوق داخلی وجود دارد.^۳ چنانچه بر اساس قانون اساسی دولت اعمال‌کننده صلاحیت، معاهدات بین‌المللی در حکم قوانین داخلی باشند، با عضویت دولت در معاهده امکان تعقیب وجود دارد؛ چه آنکه معاهده مزبور آن عمل را جرم قابل تعقیب برای دولت‌های عضو دانسته است. با این حال در خصوص معاهداتی که صرفاً «حق» تعقیب داده‌اند با معاهداتی که «الزام» به تعقیب کرده‌اند شاید از این نظر تفاوت وجود داشته باشد؛ چرا که حق جرم‌انگاری از سوی یک معاهده بین‌المللی لزوماً به معنای اراده آن دولت برای جرم دانستن آن عمل نیست. همچنین برای اعمال

1. Cavallo.

2. Nullum Crimen Sine Praevia Lege Scripta

۳. طبق این ماده «هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود».

صلاحیت جهانی هر چند جرم‌انگاری در سطح حقوق بین‌الملل می‌تواند آغازگر رسیدگی باشد اما محکومیت مجرم نمی‌تواند بدون جرم‌انگاری داخلی باشد چرا که اسناد بین‌المللی اصولاً میزان مجازات را به قوانین داخلی دولت‌ها احاله داده‌اند.

باید توجه داشت که همیشه یک معاهده بین‌المللی مبنای رسیدگی به جرایم بین‌المللی نیست، بلکه ممکن است یک اصل کلی حقوقی و یا عرف بین‌المللی مبنای رسیدگی قرار گیرد. به طور مثال ماده ۲۲۷ معاهده ورسای که پس از جنگ جهانی اول تدوین شد چنین مقرر نمود که «قدرت‌های متفق (آمریکا، انگلستان، فرانسه، روسیه، ایتالیا، بلژیک) علناً و یلهلم دوم امپراتور سابق آلمان را به خاطر جرم علیه اخلاق عالی بین‌المللی و قداست معاهدات محاکمه خواهند کرد».^۱ در این مورد آنچه ملاک عمل دادگاه قرار گرفته اصول کلی حقوق بین‌الملل بوده است (Gallant, 2008: 4). بند ۲ ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشعار می‌دارد «هیچ چیز در این ماده مانع از رسیدگی یا مجازات اشخاصی نمی‌شود که اقدامشان در زمان ارتکاب از نظر اصول کلی حقوقی شناخته شده از سوی جامعه بین‌المللی جرم محسوب می‌شود». این رویکرد از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز پذیرفته شده است. هر چند دیوان در قضیه مسائلی از تعهد به محاکمه یا استرداد با اشاره به نظر کمیته مبارزه با شکنجه مورخ ۱۹۸۴ بیان می‌دارد «شکنجه مورد نظر کنوانسیون تنها شامل شکنجه‌ای می‌شود که بعد از تصویب این کنوانسیون ارتکاب یافته است»، با این حال دیوان در این قضیه تأکید می‌کند که دیوان، محاکمه هابره به دلیل شکنجه‌های قبل از تصویب کنوانسیون منع شکنجه را [به استناد حقوق بین‌الملل عرفی] ممنوع نمی‌داند (-Enache See Brown and Fried, 1998: 613-633).^۲

با این حال باید توجه داشت «برخی وقایع تاریخی، در زمان وقوعشان متصرف به وصفی که امروزه در جامعه بین‌المللی (یا دستکم برای برخی اعضای آن) است، نبودند. به طور مثال در سال ۱۹۱۵ هنوز جرمی با نام نسل‌کشی وجود نداشت، اما امروز کشتار آرامنه در آن سال‌ها از سوی بسیاری و حتی در برخی گزارش‌ها و اسناد سازمان ملل و اتحادیه اروپا نسل‌کشی

۱. دادگاه ویژه‌ای برای محاکمه ویلهلم دوم قیصر آلمان تشکیل شد که با پناهنده شدن وی به هلند این رسیدگی ناتمام ماند. هلند که کشوری بیطرف تلقی می‌شد تعهدی به استرداد وی به دولت‌های متفق نداشت. به همین دلیل قبل از تصویب کنوانسیون ژنو کمیسیون جرایم جنگی سازمان ملل کنوانسیونی را تهیه کرد برای استرداد مجرمین جنگی دولت‌های محور از دولت‌های بی طرف که هیچگاه به تصویب نرسید (Reydams, 2003: 444).

۲. در خصوص صلاحیت بین‌المللی در محاکم بین‌المللی - و نه محاکم داخلی - نیز این رویکرد پذیرفته شده است. دو دادگاه نورمبرگ و توکیو ترجیح دادند مبنای اعمال صلاحیت خود را اساساً حقوق بین‌الملل عرفی قرار دهند. دادگاه نورمبرگ با بررسی رویه برخی دولت‌های عضو کنوانسیون لاهه و کنوانسیون‌های ژنو بیان داشت که این قواعد بیان‌کننده حقوق عرفی جنگ است (Colangelo, 2002: 22).

تعریف می‌شود» (خبیری و جدلی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).^۱ در مجموع اعمال صلاحیت جهانی بدون رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات امکان‌پذیر نیست و تنها مبنای جرم‌انگاری ممکن است متفاوت بوده و قراردادی یا غیرقراردادی باشد.^۲

۲-۳. مجرمیت متقابل^۳

در اعمال صلاحیت شخصی این اصل شناخته شده است که عمل شخص باید طبق قانون دولت محل ارتکاب نیز جرم محسوب شود. این اصل در استرداد مجرمین نیز کاربرد دارد به این معنا که دولت درخواست‌شونده نیز مانند دولت درخواست‌کننده عمل ارتكابی را جرم قلمداد نماید (See Hafen, 1992: 191-230). اجابت درخواست استرداد متهم جرایم مشمول صلاحیت جهانی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که دولت درخواست‌شونده آن عمل را جرم‌انگاری کرده باشد. برخی کشورها شرط مجرمیت متقابل را در صلاحیت جهانی لازم ندانسته‌اند. به طور مثال قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، هرچند در رابطه با جرایم علیه اتباع ایرانی در خارج (صلاحیت شخصی منفعل) وجود مجرمیت متقابل را در برخی از جرایم (جرایم تعزیری) لازم می‌داند (بند ب ماده ۸) اما در رابطه با جرایم مشمول صلاحیت جهانی این شرط را لازم نمی‌داند (ماده ۹). همچنین قانون کیفری دانمارک مصوب ۲۰۰۹ شرط مجرمیت متقابل را در اعمال صلاحیت جهانی لازم نمی‌شمارد (ماده ۱۰۳۴).^۴

با این حال چنانچه جرم مشمول صلاحیت جهانی موضوع یک کنوانسیون بین‌المللی باشد که دولت درخواست‌کننده و دولت درخواست‌شونده عضو آن باشند اصل مجرمیت متقابل محقق شده است، اما در خصوص جرایم جهانی که به طور یکجانبه از سوی دولت درخواست‌کننده جرم‌انگاری شده است و مورد شناسایی دولت درخواست‌شونده نیست، همکاری در اعمال صلاحیت جهانی با چالش مواجه خواهد بود.

۳-۳. منع مجازات مضاعف^۵

اصل منع مجازات مضاعف امروزه تبدیل به اصل کلی حقوقی شده است که توسط بسیاری

۱. به طور مثال دادگاه سوئیس آقای دوغو پرینچک را به اتهام انکار نسل‌کشی ارامنه به ۹۰ روز حبس و ۳۰۰۰ فرانک سوئیس محکوم کرد اما بعدها دادگاه اروپایی حقوق بشر حکم دادگاه سوئیس را به استناد حق بر آزادی بیان نقض کرد. Perinçek V. Switzerland. (Application No. 27510/08)

۲. برخی معتقدند که چون بخش عظیمی از کنوانسیون‌های ژنو عرفی شده‌اند لذا صلاحیت جهانی در خصوص نقض فاحش این کنوانسیون نیز عرفی شده است (Bottini, 2004: 553). (Maison, 1995, p. 265 Quoted from)

3. Dual Criminality.

4. Section 8, § 1, no. 5, of the Danish Criminal Code, cf (Consolidation) ACI: no. 1034 of 29 October 2009

5. Ne Bis In Idem (No Double Jeopardy)

از دولت‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است.^۱ بند ۷ ماده ۱۴ میثاق به اصل منع مجازات مضاعف عنوان یک حق بشری اشاره دارد و بیان می‌دارد که هیچ شخصی برای جرمی که قبلاً طبق یک قانون و در یک دادگاه محکوم شده و یا تیرئه شده است مجدداً مسؤول نخواهد بود. باید توجه داشت که اولاً این ماده تنها صدور حکم نهایی مبنی بر محکومیت یا براءت را مشمول این اصل می‌داند و نه صرف آغاز رسیدگی قضایی و ثانیاً صدور حکم مانع از رسیدگی مجدد در مواردی که رسیدگی غیابی بوده است، نمی‌شود.

اصل منع مجازات مضاعف هنوز وارد حقوق بین‌الملل نشده است و در سطح حقوق داخلی باقی مانده است (Ryngaert, 2010: 165-201). به طور مثال کمیته حقوق بشر معتقد است که بند ۷ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اصل منع مجازات مضاعف را در میان دولت‌ها مد نظر ندارد و این اصل تنها در نظام حقوقی داخلی دولت‌ها قابل اعمال است.^۲ در واقع «با اعمال صلاحیت از سوی یک دولت، سایر دولت‌ها صلاحیت خود را از دست نمی‌دهند. به عبارت دیگر هیچ دولتی مکلف به منع نمودن محاکم خود از اعمال صلاحیت نیست. یعنی یک قاعده وجود ندارد که برای نمونه اگر دولت متبوع شخص متهم شروع به رسیدگی کند دولت محل ارتکاب جرم صلاحیت خود را از دست دهد. به همین دلیل در برخی معاهدات اصولی از قبیل منع محاکمه مجدد و یا استرداد پیش‌بینی شده است» (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).^۳

هرچند رویه مراجع بین‌المللی کیفری، مبتنی بر پذیرش اصل منع مجازات مضاعف است، اما رویه دولت‌ها در حقوق داخلی درباره اعمال این اصل در صلاحیت جهانی متفاوت است. قوانین برخی دولت‌ها مانند ایران اصل منع مجازات مضاعف را در رابطه با مجرمینی که طبق صلاحیت جهانی در سایر محاکم ملی محکوم شده‌اند، جاری نمی‌داند (ماده ۹ قانون مجازات اسلامی). قوانین برخی دولت‌ها مانند آلمان و ژاپن هرچند اصل منع مجازات مضاعف را در سطح بین‌المللی به رسمیت نمی‌شناسند، اما مجازات مجرم در کشوری دیگر را موجب تخفیفاتی می‌دانند. قوانین برخی دولت‌ها مانند کرواسی نیز برای اعمال این اصل شرایطی مانند اعمال کامل مجازات، عفو و مرور زمان در کشور دیگر را برای جلوگیری از رسیدگی مجدد

۱. برخی دولت‌ها مانند کانادا، نیوزیلند، افریقای جنوبی و هند اصل منع مجازات مضاعف را در قانون اساسی خود به رسمیت شناخته‌اند. با این حال اعمال این اصل در سطح بین‌المللی با مشکلات حقوقی مختلفی نیز همراه است از جمله اینکه شناسایی احکام کیفری خارجی نوعی تحدید حاکمیت محسوب می‌شود، اجرای احکام کیفری خارجی در داخل با اصل حاکمیت مغایر است ضمن اینکه اجرای این احکام نیازمند حسن نیت جدی هستند (Daniels, 2006: 26-25).

2. A. P. v. Italy, U.N. Comm. for Human Rights, Communication No. 204/1986, U.N. Doc. Supp. No. 40 A/43/40 (July 16, 1986).

۳. لازم است میان مسؤولیت کیفری و غیرکیفری شخص نیز قائل به تفکیک شد. دیوان دادگستری اروپایی در هر صورت مراجعه قربانیان جرائم کیفری به محاکم مدنی ملی برای جبران خسارات ناشی از جرایم بین‌المللی را ناقض اصل منع مجازات مضاعف ندانسته است (Vervaele, 2005: 113).

در صلاحیت جهانی پذیرفته‌اند. در مقابل برخی دولت‌ها مانند فنلاند این اصل را برای اعمال صلاحیت جهانی در سطح بین‌المللی پذیرفته‌اند (Mihaela Agheni Ei, 2011: 133).

ماده ۱۲ کد پیش نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص جرایم علیه صلح و امنیت بشری بیان می‌دارد اصل منع مجازات مضاعف در دو حالت قابل طرح است: در صورتی که رسیدگی توسط یک دیوان بین‌المللی باشد این اصل کاملاً اعمال می‌شود، اما اگر رسیدگی توسط دادگاهی ملی باشد تنها در صورتی این اصل قابل نقض است که اولاً شخص در دادگاه ملی اولی تحت عنوان جرمی عادی مجازات شده باشد و نه جرمی جدی (مانند نسل‌کشی و قتل) و ثانیاً روند رسیدگی در دادگاه ملی اول عادلانه نبوده باشد (Wallace, 2005:130-131).^۱

در مجموع با توجه به تشتت رویه ملی و بین‌المللی جز در صورتی که قانون داخلی ضروری بداند رعایت شرط منع مجازات مضاعف در اعمال صلاحیت جهانی الزامی نیست.

۴-۳. مشمول مرور زمان نبودن

برخی معتقدند منع اعمال مرور زمان در مورد جرایم بین‌المللی از جمله قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بوده و در نتیجه برای تمامی کشورها الزام‌آور است (کابک خیبری و صفی ناز جدلی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). برای نمونه، زمانی که کشور اسپانیا درخواست استرداد ریکادو میگل کالویو^۲ آرژانتینی را به اتهام ارتکاب شکنجه به مکزیک ارائه داد، وزارت امور خارجه مکزیک علی‌رغم وجود قانون مرور زمان در مورد جرم مورد نظر اعلام نمود که طبق حقوق بین‌الملل، شکنجه شامل مرور زمان نمی‌شود. دولت‌هایی که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری را تصویب کرده‌اند در ماده ۲۹ پذیرفته‌اند که نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی «نباید موضوع مرور زمان قرار گیرند». همچنین کنوانسیون ملل متحد در خصوص عدم اعمال مرور زمان در جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت^۳ مورخ ۱۹۴۸ و کنوانسیون اروپایی در خصوص عدم اعمال محدودیت‌ها بر جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی^۴ بیان می‌دارند که این جرایم موضوع هیچ‌گونه مرور زمان نیستند.

اما اولاً این دو کنوانسیون با اقبال کمی از سوی دولت‌ها مواجه شده‌اند و ثانیاً نگرش قوانین

۱. همچنین اصل نهم اعلامیه اصول پرینستون بیان می‌دارد «در اعمال صلاحیت جهانی، یک دولت یا نهاد قضایی آن باید اطمینان حاصل کند که شخص تحت رسیدگی کیفری مورد رسیدگی یا مجازات چندگانه برای جرم یکسان قرار نخواهد گرفت... رسیدگی‌های مزورانه و مجازات‌های مضحک که ناشی از محکومیت یا دیگر اشکال مسؤولیت است مانع از رسیدگی مجدد نخواهد بود».

2. Ricardo Miguel Cavallo

3. Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes against Humanity, *United Nations Treaty Series*, No. 754, 1968, p. 73.

4. European Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitation to Crimes against Humanity and War Crimes, 1974.

داخلی دولت‌ها به مرور زمان متفاوت است. در قوانین لوکزامبورگ صرفاً در خصوص نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی مرور زمان اعمال نمی‌شود و در خصوص سایر جرایم بین‌المللی این استثنا ذکر نشده است (Redress Trust, 1999: 28). در آلمان و انگلستان مرور زمان برای جنبه مدنی جرایم جنگی نهایتاً تا شش سال پیش بینی شده است (Redress Trust, 1999: 39). به طور مثال در قضیه‌ای^۱ در انگلستان دادستان بیان داشت که جرم جنگی در سال ۱۹۴۲ که منجر به کشته شدن دو یهودی غیرنظامی شده است، مشمول مرور زمان شده است و نمی‌تواند در سال ۱۹۹۱ مسموع باشد (Redress Trust, 1999: 38). همچنین در قضیه‌ای هرچند دادگاه عالی آرژانتین با استرداد کاپیتان نازی متهم به جرایم جنگی به ایتالیا موافقت کرد، اما دادگاه ایتالیا وی را به استناد مرور زمان تبرئه نمود.^۲ به نظر می‌رسد اختلاف در نظام‌های ملی در حال حاضر مانع از شکل‌گیری قاعده عرفی عدم اعمال مرور زمان در جرایم بین‌المللی مشمول صلاحیت جهانی شده است.

۴. شرایط اعمال صلاحیت جهانی: صلاحیت محلی

صلاحیت محلی به صلاحیت دادگاه مورد نظر نسبت به دادگاه دولت‌های دیگر مربوط می‌شود. در مواردی ممکن است صلاحیت دادگاه دولتی دیگر نسبت به صلاحیت دادگاه دولت مورد نظر اولی باشد و در مواردی ممکن است اساساً دادگاه دولت مورد نظر صلاحیت نداشته باشد. در این رابطه لازم است تقدم صلاحیت دادگاه دولت درخواست‌کننده استرداد و صلاحیت دادگاه بین‌المللی نسبت به دادگاه دولت مورد نظر را در نظر گرفت.

۴-۱. رعایت اصل مسترد بدار یا محاکمه کن

طبق اصل «مسترد بدار یا محاکمه کن»^۳ اگر دولتی درخواست استرداد از دولت محل حضور متهم نداشته باشد این تکلیف آن دولت است تا خود رسیدگی را آغاز نماید. این اقدام در راستای مبارزه با بی‌کیفری و جلوگیری از ایجاد پناهگاه امن برای مجرمین است (Roht-Arriaza, 1995: 24-38) و در برخی معاهدات چندجانبه به این اصل اشاره شده است. در نسبت میان صلاحیت جهانی و اصل مسترد بدار یا محاکمه کن باید توجه داشت که رابطه این دو عموم و خصوص من وجه است. همانطور که آرژانتین در لایحه خود به کمیته ششم مجمع

1. R. v. Anthony Sawoniuk [2000] EWCA Crim 9 (10th February, 2000).

2. Haas and Priebke cases, Military Court of Appeal of Rome / Supreme Court of Cassation, 7 March 1998 / 16 November 1998.

وی یک کاپیتان در ارتش آلمان بود که در زمان جنگ جهانی دوم مسئولیت کشتار ۳۳۵ نفر از غیرنظامیان ایتالیایی را در سال ۱۹۴۴ پذیرفته بود.

3. Aut dedere aut judicare.

عمومی بیان کرده است یکی از مفاهیمی که گاهی به اشتباه با صلاحیت جهانی مترادف قلمداد می‌شود اصل «مسترد بدار یا محاکمه کن» است.^۱ از یکسو ممکن است معاهده متضمن اصل مسترد بدار یا محاکمه کن اشاره به صلاحیت جهانی دولت‌های عضو نکرده باشد^۲ و رسیدگی یا درخواست استرداد صرفاً مبتنی بر معیارهای صلاحیت سرزمینی یا صلاحیت شخصی و یا صلاحیت واقعی باشد.^۳ همانگونه که کلمبیا در لایحه خود به کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأکید کرده است اصل مسترد بدار یا محاکمه کن لزوماً موجد صلاحیت جهانی نیست.^۴

از سوی دیگر ممکن است یک کنوانسیون صلاحیت جهانی را مطرح کند اما به اصل مسترد بدار یا محاکمه کن اشاره نکرده باشد (مانند دزدی دریایی در کنوانسیون حقوق دریاهای). در این حالت صرفاً دولت محل حضور متهم ملزم به رسیدگی است و تعهدی از جهت آن معاهده برای استرداد به دولت دیگر ندارد. هر چند معاهداتی که متضمن «صلاحیت جهانی الزامی» هستند معمولاً متضمن اصل مسترد بدار نیز هستند (Botini, 2004: 517).

تعارض صلاحیت میان دولت محل حضور متهم و دولت خواهان استرداد از دیگر مسائل پیش روی محاکم ملی است. ظاهر عنوان اصل مسترد بدار یا محاکمه کن این است که ابتدا دولت ملزم به استرداد شده است و اگر درخواست استردادی در کار نبود این وظیفه دولت دستگیرکننده متهم است که رسیدگی کند؛ اما برای پاسخ صحیح لازم است میان دو وضعیت قائل به تفکیک شد: چنانچه دولت درخواست‌شونده پیش از دریافت درخواست استرداد رسیدگی را آغاز کرده باشد و تصمیمی اعم از قرار یا حکم صادر کرده باشد، اصولاً به درخواست استرداد پاسخی داده نخواهد شد (Agheni ei and Boboc, 2011: 3)، چرا که اولاً هدف از صلاحیت جهانی مبارزه با بی‌کیفری است که با آغاز رسیدگی هدف عملی شده است و ثانیاً اجابت درخواست استرداد

1. General Assembly Resolution 65/33 of 6 December 2010.

۲. کنوانسیون مبارزه با توقیف غیرقانونی هواپیما (لاسه) ۱۹۷۰، کنوانسیون مبارزه با اقدامات علیه امنیت هوانوردی (مونترال) ۱۹۷۱، کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی شامل نمایندگان دیپلماتیک ۱۹۷۳، کنوانسیون ممنوعیت و مجازات تبعیض نژادی ۱۹۷۳، کنوانسیون علیه گروگانگیری ۱۹۷۹، کنوانسیون مبارزه با کمک مالی به تروریسم ۱۹۹۹، کنوانسیون مبارزه با بمبگذاری تروریسم ۲۰۰۱ و کنوانسیون مبارزه با اقدامات تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵ از کنوانسیون‌هایی هستند که در عین اینکه متضمن صلاحیت جهانی الزامی هستند به اصل مسترد بدار یا محاکمه کن اشاره‌ای نداشته‌اند.

۳. مانند کنوانسیون جرایم و دیگر اقدامات مشخص ارتكابی در هواپیما (توکیو) مورخ ۱۹۶۳ که صلاحیت سرزمینی و کنوانسیون تهیه و ترویج سکه تقلبی و جعل اسکناس خارجی مورخ ۱۹۲۹ که صلاحیت واقعی را مبنای اعمال صلاحیت دانسته‌اند و در عین حال شامل اصل مسترد بدار یا محاکمه کن نیز هستند.

4. Report of Permanent Mission of Colombia to the United Nation on the Scope and Application of the Principle of Universal Jurisdiction, General Assembly Resolution A/RES/68/117, 2011, available at [http://www.un.org/en/ga/sixth/66/ScopeAppUniJuri_StatesComments/Colombia%20\(S%20to%20E\).pdf](http://www.un.org/en/ga/sixth/66/ScopeAppUniJuri_StatesComments/Colombia%20(S%20to%20E).pdf).

می‌تواند مغایر با اصل منع محاکمه مضاعف باشد.

اما اگر صرفاً تصمیم برای رسیدگی وجود داشته باشد در تعارض میان اعمال صلاحیت جهانی از سوی دولت‌های متعدد باید میان درخواست‌های استرداد قائل به تفکیک شد. چنانچه درخواست استرداد از سوی دولتی ارائه شده است که صلاحیت سرزمینی نسبت به آن جرم دارد توصیه شده است که اجابت درخواست استرداد آن کشور بر رسیدگی در محاکم داخلی ارجحیت داده شود (Wise, 1995: 57)؛ اما چنانچه درخواست از سوی سایر دولت‌ها باشد الزامی در اجابت درخواست نیست. تنها تعهدی که موجب اجابت درخواست استرداد می‌شود تعهدات ناشی از معاهدت معاضدت قضایی و استرداد مجرمین میان دو دولت است.

دیوان بین‌المللی دادگستری بدون تفکیک میان اقسام ذکر شده، در قضایای لاکربی (لیبی علیه آمریکا و انگلستان) و مسائلی از تعهد به محاکمه یا استرداد (سنگال علیه بلژیک) معتقد است که اولویتی برای دولت درخواست‌کننده وجود ندارد. لذا از نظر دیوان دولت درخواست‌شونده مختار است که خود رسیدگی کند و یا مسترد بدارد.^۱ دیوان حتی فراتر رفته و در قضیه اخیر بیان می‌دارد «انتخاب میان استرداد یا محاکمه مرتبط با کنوانسیون [شکنجه] به این معنا نیست که هر دو گزینه از ارزش یکسانی برخوردار هستند. در حالی که استرداد یک گزینه انتخابی است که از سوی کنوانسیون به دولت عضو اعطا شده است، محاکمه کردن یک تعهد بین‌المللی است که از سوی کنوانسیون ایجاد شده است و نقض آن موجب طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت خواهد شد».^۲ لذا از نظر دیوان دولت درخواست‌شونده ابتدائاً متعهد به رسیدگی است و در صورتی که مانعی برای رسیدگی وجود داشته باشد، متعهد به استرداد خواهد بود.

در مواردی که دولت درخواست‌شونده با چند درخواست استرداد مواجه باشد مسئله اولویت استرداد مطرح می‌شود. اعلامیه اصول پرینستون این تعارض را به این ترتیب حل می‌کند: بر اساس معاهدات دو یا چندجانبه، دولت مدعی صلاحیت سرزمینی، دولت مدعی صلاحیت شخصی فعال، دولت مدعی صلاحیت شخصی منفعل و دولتی که پیوند دیگری با متهم، جرم یا مجنی علیه دارد. از نظر این اعلامیه لازم است که دولت درخواست‌شونده از وجود حسن نیت، کارآیی، انصاف، بی‌طرفی و دسترسی به شهود و مدارک در دولت درخواست‌کننده اطمینان داشته باشد.^۳ این اولویت‌بندی مبتنی بر اصالت داشتن صلاحیت سرزمینی و فرعی بودن سایر صلاحیت‌ها در حقوق

۱. برای رویکرد مخالف در قانون دانمارک ن.ک. (Redress, 1999, pp. 7-9).

۲. ICJ Rep. Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), 2012, paras 89-117.

۳. Princeton University Program in Law and Public Affairs, The Princeton Principles on Universal Jurisdiction (2001), available at https://lapa.princeton.edu/hosteddocs/unive_jur.pdf.

بین‌الملل است.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که دولت‌ها علی‌الاصول اتباع خود را به دولت‌های دیگر مسترد نمی‌دارند. در واقع برخلاف تعارض درخواست استرداد که اولویت با دولت سرزمینی است، در این حالت اولویت با دولتی است که صلاحیت شخصی فعال دارد. برخی کنوانسیون‌های متضمن اصل «مسترد بدار یا محاکمه کن» تأکید کرده‌اند که در صورت عدم استرداد متهم به استناد تابعیت متهم، دولت درخواست‌شونده ملزم به رسیدگی است. به طور مثال می‌توان به کنوانسیون امحای جعل ارز مورخ ۱۹۲۹، کنوانسیون اروپایی استرداد مورخ ۱۹۵۷، کنوانسیون لاهه در خصوص امحای بازداشت غیرقانونی هواپیما مورخ ۱۹۷۰، کنوانسیون قاچاق غیرقانونی داروهای خطرناک مورخ ۱۹۳۶، کنوانسیون جلوگیری و مجازات تروریسم مورخ ۱۹۳۷، کنوانسیون امحای قاچاق افراد و بهره‌برداری جنسی از دیگران مورخ ۱۹۵۰ اشاره نمود.

۲-۴. رعایت تقدم صلاحیت محاکم بین‌المللی

اعمال صلاحیت جهانی از سوی دادگاه ملی زمانی مشروع است که صلاحیت محاکم بین‌المللی نسبت به آن موضوع اولویت نداشته باشد. در حال حاضر دیوان بین‌المللی کیفری، دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا و دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در سطح بین‌المللی واجد تعهداتی برای برخی کشورها هستند که لازم است در اعمال صلاحیت جهانی از سوی این کشورها تعهدات مندرج در اساسنامه آنها مورد توجه قرار گیرد. اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری مانع از اعمال صلاحیت جهانی در خصوص جرایم تحت صلاحیتش نمی‌شود، چه بسا اینکه این امر را تشویق نیز می‌نماید (برای مطالعه بیشتر ن. ک. اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۱-۱۴۲). از آنجا که صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری مبتنی بر صلاحیت سرزمینی و شخصی است و نه جهانی در مقدمه اساسنامه خود بیان کرده است که «این وظیفه هر یک از دولت‌هاست که صلاحیت کیفری خود را در مورد کسانی که مسؤول جرایم بین‌المللی هستند اعمال نمایند». با این حال باید توجه داشت که اولویت صلاحیت محاکم ملی نسبت به دیوان به استناد صلاحیت جهانی مستلزم جرم‌انگاری نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در قوانین داخلی آنهاست که معمولاً از طریق وارد کردن تعاریف اساسنامه در قوانین داخلی یا تعاریف موسع‌تر یا مضیق‌تر از اساسنامه در قوانین داخلی صورت می‌پذیرد (اکبرنژاد، ۱۳۸۸: ۱۳۱).^۱

اما در خصوص سایر دیوان‌های بین‌المللی این موضوع کمی متفاوت است. دیوان بین‌المللی

۱. حدود ۱۵۰ دولت عضو دیوان جرایم تحت صلاحیت دیوان را در حوزه صلاحیت جهانی خود وارد کرده‌اند (Amnesty International, 2001: 1).

کیفری برای یوگسلاوی سابق و دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا صلاحیت موازی دادگاه ملی در ماده ۹ اساسنامه‌های خود ضمن پذیرش صلاحیت موازی این محاکم بین‌المللی و محاکم ملی، اولویت را به محاکم بین‌المللی داده‌اند. علت این امر این است که اساسنامه این محاکم موضوع فصل هفتم منشور ملل متحد هستند که مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی است. این موضوع یکی از مواردی است که شورای امنیت به طور ضمنی یکی از مقرره‌های معاهدات بین‌المللی و در اینجا معاهدات متضمن صلاحیت جهانی را به حالت تعلیق در می‌آورد.

۵. نتیجه‌گیری

صلاحیت جهانی در راستای مبارزه با بی‌کیفری و پناهگاه امن مجرمینی که کلیت حیات بشریت را تهدید می‌کنند شکل گرفته است. اعمال صلاحیت جهانی چه الزامی باشد و چه اختیاری باید مشروع باشد. برای مشروعیت صلاحیت جهانی لازم است تا شرایط حقوقی لازم برای اعمال این صلاحیت از سوی محاکم ملی رعایت گردد.

در مرحله احراز صلاحیت شخصی در اعمال صلاحیت جهانی لازم است اولاً متهم در سرزمین دولت مقرر دادگاه حضور داشته باشد، هرچند دستگیری وی لزومی ندارد. ثانیاً حضور شاکی خصوصی شرط ضروری برای اعمال صلاحیت جهانی نیست، هرچند رویه عملی مبتنی بر وجود شاکی خصوصی برای اعمال صلاحیت جهانی بوده است. ثالثاً هرچند اعمال اصل عالم بودن به قوانین در صلاحیت جهانی بین‌المللی غیرقراردادی و صلاحیت جهانی غیربین‌المللی با ایراداتی مواجه است اما امروزه نمی‌توان گفت عالم بودن به جرایم بین‌المللی از شرایط ضروری اعمال صلاحیت جهانی است. رابعاً لازم است که مجرم از سران دولتی، دیپلمات‌ها و نظامیان نباشد. مصونیت این اشخاص امروز در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است و حتی در مورد جرایم بین‌المللی نیز نقض آنها پذیرفته نشده است. با این حال اعمال صلاحیت جهانی در خصوص جرایم بین‌المللی که خارج از وظایف رسمی آنها تلقی می‌شود پس از پایان دوره تصدی آنها امکانپذیر خواهد بود. خامساً لازم است که شخص مورد تعقیب مورد عفو قرار نگرفته باشد. این عفو می‌تواند توسط دولت محل ارتکاب جرم و یا دولت مقرر دادگاه اعطا شده باشد هرچند در مواردی که اعمال صلاحیت جهانی الزامی است عفو پذیرفته نشده است.

در مرحله احراز صلاحیت ذاتی در اعمال صلاحیت جهانی اولاً لازم است قانونی بودن جرم و مجازات احراز شود. لذا جرم باید مورد پذیرش جامعه بین‌المللی بوده باشد صرف نظر از اینکه مبنای آن معاهده‌ای یا غیرمعاهده‌ای باشد. ثانیاً لازم است شرط مجرمیت متقابل احراز

شود. چنانچه جریم بین‌المللی موضوع یک معاهده بین‌المللی باشد که دولت مقرر دادگاه و دولت متبوع مجرم عضو آن هستند این شرط حاصل شده است. ثالثاً هرچند برخی معتقدند که امکان مجازات مضاعف در چارچوب صلاحیت جهانی وجود ندارد اما امروزه نمی‌توان گفت که حاکمیت دولت‌ها در اینگونه موارد محدود شده است و لذا منع مجازات مضاعف از شرایط ضروری اعمال صلاحیت جهانی نیست. رابعاً هرچند برخی دولت‌ها مرور زمان را در جرایم بین‌المللی جاری ندانسته‌اند و مشمول مرور زمان نبودن را شرط اعمال صلاحیت جهانی می‌دانند اما رویه بین‌المللی دولت‌ها مرور زمان را برای جرایم بین‌المللی نپذیرفته است و نمی‌توان گفت در حقوق بین‌الملل مشمول مرور زمان نبودن شرط اعمال صلاحیت جهانی است.

در مرحله احراز صلاحیت محلی در اعمال صلاحیت جهانی لازم است اولویت محاکم دولت دیگر و یا محاکم بین‌المللی را در نظر داشت. اولاً در موردی که درخواست استرداد مجرم وجود داشته باشد طبق اظهار نظر دیوان بین‌المللی دادگستری دولت درخواست‌شونده می‌تواند خود رسیدگی را آغاز نماید اما طبق رویه بین‌المللی چنانچه رسیدگی آغاز شده باشد اولویت با صلاحیت دولت درخواست‌شونده است و چنانچه رسیدگی آغاز نشده باشد در صورتی که درخواست از سوی دولت محل ارتکاب جرم باشد (صلاحیت سرزمینی) معمولاً درخواست اجابت می‌شود. این در صورتی است که متهم از اتباع دولت درخواست‌شونده نباشد. ثانیاً چنانچه دولت مشمول تعهدات بین‌المللی مانند تعهدات ناشی از اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان‌های بین‌المللی کیفری برای رواندا و یوگسلاوی سابق باشد لازم است که اقتضات این تعهدات را رعایت نماید. به طور مثال رسیدگی به جرایم ارتكابی در رواندا و یوگسلاوی سابق توسط کشورهای محل حضور متهمان تنها در شرایطی امکانپذیر است.

به نظر می‌رسد چنانچه صلاحیت جهانی در چارچوب شرایط حقوقی آن اعمال گردد می‌تواند در تحقق بخشیدن به وظیفه مشترک تأمین صلح و امنیت بین‌المللی توسط جامعه بین‌المللی نقش بسزایی داشته باشد تا از این طریق نیاز کمتری به نقش‌آفرینی نهادهای سیاسی و قضایی شبیه شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری احساس گردد. اعمال صلاحیت جهانی در محاکم ملی بیشتر با ایده حمایت از حاکمیت ملی دولت‌ها قرابت دارد و با ضمانت و سرعت بیشتری می‌تواند در مبارزه با بی‌کیفری بین‌المللی نقش‌آفرینی نماید. هرچند جهت‌گیری سیاست کیفری بین‌المللی به سمت محاکمه بین‌المللی در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی است، اما در حال حاضر محاکم ملی در اعمال صلاحیت جهانی جایگاه ممتازی دارد و به همین دلیل اعمال صلاحیت جهانی مورد تشویق اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز قرار گرفته است.

پیوست

• ماهیت حقوقی کنوانسیون‌های متضمن صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی ثانویه الزامی	صلاحیت جهانی ثانویه اختیاری	صلاحیت جهانی اولیه الزامی	صلاحیت جهانی اولیه اختیاری	کنوانسیون‌های متضمن صلاحیت جهانی	
×				کنوانسیون استرداد مجرمین جنگی از دولت‌های بی‌طرف ۱۹۴۵	۱
×		×		کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹	۲
		×		پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون لاهه درباره حمایت از اموال فرهنگی در خصوصت‌های مسلحانه ۱۹۵۴	۳
	×	×		کنوانسیون مبارزه با توقیف غیرقانونی هواپیما (لاهی) ۱۹۷۰	
	×	×		کنوانسیون مبارزه با اقدامات علیه امنیت هوانوردی (مونترال) ۱۹۷۱	
×		×		کنوانسیون ممنوعیت و مجازات تبعیض نژادی ۱۹۷۳	۴
×		×		کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص تحت حمایت بین‌المللی شامل نمایندگان دیپلماتیک ۱۹۷۳	
×		×		پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷	۵
	×	×		کنوانسیون علیه گروگان‌گیری ۱۹۷۹	
			×	کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲	۶
×		×		کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز ۱۹۸۴	۷
	×		×	اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸	۸
	×	×		کنوانسیون مبارزه با کمک مالی به تروریسم ۱۹۹۹	۱۳

	×	×		کنوانسیون مبارزه با بمب‌گذاری تروریسم ۲۰۰۱	۱۴
	×		×	کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته ۲۰۰۴	۱۵
	×	×		کنوانسیون مبارزه با اقدامات تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵	۱۶
صلاحیت سرزمینی اولیه و ثانویه الزامی				کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸	۱۷
صلاحیت سرزمینی ^۱ و شخصی و واقعی اولیه و ثانویه اختیاری				کنوانسیون جرایم و دیگر اقدامات مشخص ارتكابی در هواپیما (توکیو) ۱۹۶۳	۱۸

* صلاحیت جهانی الزامی: الزام به اعمال صلاحیت جهانی

* صلاحیت جهانی اختیاری: اختیار در اعمال صلاحیت جهانی

* صلاحیت جهانی اولیه: اعمال صلاحیت جهانی از سوی دولت محل حضور متهم

* صلاحیت جهانی ثانویه: اعمال صلاحیت جهانی از سوی دولت درخواست‌کننده استرداد

۱. منظور صلاحیت دولت محل ثبت هواپیما است.

منابع

الف) فارسی

کتاب و پایان نامه

- حامد، سهیلا، (۱۳۸۴)، *صلاحیت جهانی*، چاپ اول، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- سلیمی، صادق، (۱۳۸۲)، *جنایات سازمان یافته فراملی*، تهران: نشر صدا.

مقالات

- پرادل، ژرژ دولا، (۱۳۸۸)، «صلاحیت جهانی»، ترجمه سیدعلی هنجنی، *مجله تحقیقات حقوقی*، سال پنجم، شماره ۵۰.
- حسینی اکبرنژاد، هاله، (۱۳۸۸)، «صلاحیت تکمیلی دیوان بین المللی کیفری: پویایی نظام های قضایی ملی در مقابله با بی کیفری»، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۴۱.
- خبیری، کابک و جدلی، صفی ناز، (۱۳۸۹)، «صلاحیت جهانی و کارایی آن در مبارزه و پیگیری جرایم بین المللی»، *فصلنامه راهبرد*، سال ۱۹.
- خبیری، کابک. جدلی، صفی ناز، (۱۳۸۹)، «صلاحیت جهانی و کارایی آن در مبارزه و پیگیری جرایم بین المللی»، *مجله راهبرد*، شماره ۵۵.
- خداداد، زهرا، (۱۳۹۱)، *صلاحیت جهانی و حاکمیت دولت ها در حقوق بین الملل*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه قم.
- رنجریان، امیرحسین، (۱۳۸۱)، *قانون ۱۹۹۳-۱۹۹۹ بلژیک*، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین المللی دادگستری، *صلاحیت کیفری جهانی در بوتنه آزمون*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۵۸.
- زمانی، سید قاسم، (۱۳۸۸)، «اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین المللی»، *مجله پژوهش حقوقی*، شماره ۲۶.
- فروغی، فضل الله، (۱۳۸۸)، «منشاء و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره اول، شماره ۳.
- قاسمی شوب، احمدعلی، (۱۳۸۳)، «نگاهی به جایگاه بیگانگان در حقوق بین الملل با تأکیدی بر اسناد بین المللی حقوق بشر»، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۳۱.
- محمدجواد، شریعت باقری، (۱۳۸۲)، «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرایم سنگین بشری»، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۲۸.

ب) انگلیسی

Books

- Bassiouni, M. Cherif, (1987), *A Draft International Criminal Code and Draft Statute on International Criminal Tribunal*, Martinus Nijhoff publishers.

- Gallant, Kenneth S, (2008), *The Principle of Legality in International and Comparative Criminal Law*, Cambridge University Press.

- Henckaerts, Jean-Marie and Doswald-Beck, Louise, (2006), *Customary International Humanitarian Law*, Ref. Customary International Humanitarian Law, Cambridge University Press.

- Hurwitz, Deena R, (2009), *Universal Jurisdiction and the Dilemmas of International Criminal Justice: The Sabra and Shatila Case in Belgium*, in Human Rights Advocacy Stories, Deena Hurwitz, Margaret L. Satterthwaite, Doug Ford, eds. Foundation Press.

- International Law Association, (2000), *Final Report on Exercise of Universal Jurisdiction in Respect of Gross Human Rights Offences*, Committee on International Human Rights Law and Practice, London Conference.

- Nadya Sadat, Leila, (2006), *Universal Jurisdiction, National Amnesties, and Truth Commissions: Reconciling the Irreconcilable*, in Stephen Macedo, *Universal Jurisdiction: National Courts And the Prosecution of Serious*, University of Pennsylvania Press.

- Princeton University, (2001), *The Princeton Principles on Universal Jurisdiction*, Princeton University Press.

- Roht-Arriaza, Naomi, (1995), *Impunity And Human Rights In International Law and Practice*, Oxford University Press.

- Ryngaert, Cedrik, (2010), *Complementarity in Universality Cases: Legal-Systemic and Legal Policy Considerations*, in *Complementarity and the Exercise of Universal Jurisdiction for Core International Crimes*, Morten Bergsmo.

- Stessens, Guy, (2000), *Money Laundering: A New International Law Enforcement Model*, Cambridge University Press.

- Stigen, Jo, (2010), *The Relationship between the Principle of Complementarity and the Exercise of Universal Jurisdiction for Core International Crime*, in *Complementarity and the Exercise of Universal Jurisdiction for Core International Crimes*, Morten Bergsmo.

- Wallace, Rebecca M. M, (2005), *International law*, Sweet & Maxwell.

- Wise, Edward Martin. (1995). *Aut Dedere Aut Judicare: The Duty to Extradite or Prosecute in International Law*, Martinus Nijhoff Publishers.

Articles

- Agheni ei, Mihaela and Boboc, Luciana. (2011). "Universal Jurisdiction And Concurrent Criminal Jurisdiction", *Law Review*, Vol. 1, No. 1.

- Baker, Roozbeh (Rudy) B, (2009), "Universal Jurisdiction and the Case of Belgium: A Critical Assessment", *ILSA Journal of International and Comparative Law*, Vol. 16, No. 1.

- Blakesley, Christopher L. and E. Stigall, Dan, (2007), "The Myopia of U.S. v. Martinelli: Extraterritorial Jurisdiction in The 21st Century", *George Washington International Law Review*, Vol 39.

- Boister, Neil, (2002), "The ICJ in the Belgian Arrest Warrant Case: Arresting the Development of International Criminal Law", *Journal of Conflict and Security Law*, Volume 7, Issue 2.

- Bottini, Gabriel, (2004), "Universal Jurisdiction After The Creation Of The International Criminal Court", *International Law and Politics*, Vol. 36.

- Bowett, D. W, (1983), "Jurisdiction: Changing Patterns of Authority Over Activities and Resources", *British Yearbook of International Law*, No. 53.

- Bruce, Broomhall, (2001), "Towards the Development of an Effective System of Universal Jurisdiction for Crimes Under International Law", *New England Law Review*, Vol. 35:2/winter.

- Colangelo, Anthony J, (2005), "The Legal Limits of Universal Jurisdiction", *Virginia Journal of International Law*, Vol. 47, No. 1.

- Enache-Brown, Colleen. Fried, and Ari, (1998), "Universal Crime, Jurisdiction and Duty: The Obligation of Aut Dedere Aut Judicare in International Law", *Mcgill Law Journal/Revue De Droit De Mcgill*, Vol. 43.

- Finlay, Lorraine, (2009), "Does the International Criminal Court Protect Against Double Jeopardy: An Analysis of Article 20 of The Rome Statute", *University of California, Davis*, Vol. 15, No. 2.

- Hafen, Jonathan, (1992), "International Extradition: Issues Arising Under the Dual Criminality Requirement", *Brigham Young University Law Review*, No. 191.

- Joyner, Christopher C, (1996), "Arresting Impunity: The Case For Universal Jurisdiction In Bringing War Criminals To Accountability", *Law And Contemporary Problems*, Vol. 59, No. 4.

- Maison, Rafaele, (1995), "Les Premiers cas d' Application des Dispositions

P'énales des Conventions de Genève par les Jurisdictions Internes [The First Instances of the Application of the Penal Provisions of the Geneva Conventions by Domestic Jurisdictions]", *Euorean Journal of International Law*, No. 6.

- Nagle, Luz E, (2011), "Terrorism and Universal Jurisdiction: Opening a Pandora's Box?", *Georgia State University Law Review*, Vol. 27, No. 2.

- Philippe, Xavier, (2006), "The Principles of Universal Jurisdiction and Complementarity: How do the two Principles Intermesh?", *International Review of the Red Cross*, Volume 88.

- Rabinovitch, Ryan, (2004), "Universal Jurisdiction In Abstentia", *Fordham International Law Journal*, Vol. 28, Issue 2.

- Reydams, Luc, (2003), "The Legal Limits of Universal Jurisdiction: Belgium's First Application of Universal Jurisdiction: The Butare Four Case", *Journal of International Criminal Justice*, No. 1.

- Reynaud N. Daniels, (2006), "Non Bis in Idem and the International Criminal Court", *Bepress Legal Series*, Working Paper No. 1365.

- Scharf, Michael P, (2001), "Application of Treaty-Based Universal Jurisdiction to Nationals of Non-Party States", *New England Law Review*, Vol. 35, No. 2.

- Vervaele, John A.E, (2005), "The Transnational ne bis in idem principle in the EU Mutual recognition and equivalent protection of human rights", *Utrecht Law Review*, Vol. 1, No. 2.

- Zappala, Salvatore, (2001), "Do Heads of State in Office Enjoy Immunity from Jurisdiction for International Crimes? The Ghaddafi Case Before the French Cour de Cassation", *European Journal of International Law*, No. 12.

Websites

- Agheni Ei, Mihaela and Fl Mânzeanu, Ion, (2011), Universal Jurisdiction And The Principle Of Ne Bis in Idem, 2011, available at http://cks.univnt.ro/uploads/cks_2011_articles/index.php?dir=01_law%2F&download=cks_2011_law_art_015.pdf.

- Amnesty International, *Universal Jurisdiction: 14 Fundamental Principles on the Effective Exercise of Universal Jurisdiction*, available at <https://www.amnesty.org/en/documents/document/?indexNumber=IOR53%2F001%2F1999&language=en>.

- Amnesty International, *Universal Jurisdiction: The Duty of States to Enact*

and Implement Legislation, at 1, IOR 53/017/2001 (Sept. 2001), available at <http://www.amnesty.org/en/library/info/IOR53/017/2001/en>.

- Redress Trust, (1999), *Universal Jurisdiction In The European Union*, 1999; available at www.redress.org/downloads/conferences/country%20studies.pdf